

سرشناسه: ترائی، سولماز، ۱۳۵۷
عنوان: نام پدیدآور: تاتی تاتی، ترانه‌های مادرانه / نگاری از سولماز ترائی، تصویرگر: سارا میاری
موضوعات: شعر، تهران، بازی و کودکی، ۱۳۹۹.
موضوعات ظاهری: ۸۳۸، تصویرنگاری، ۳۹۰:۳۹۰۳۲
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۳۸-۲-۵
وضعیت فهرست نویسی: آریا
یادداشت: گروه نشر: آقا، بی.
عنوان دیگر: ترانه‌های مادرانه.
موضوع: کودکان - موسیقی - آوزی
موضوع: Children - Music - بازی - کودکان
موضوع: آت موسیقی - آوزی
موضوع: Music - Children - بازی
موضوع: شعر کودکان - آوزی
موضوع: Children - Music - بازی
شابک افزوده: ماری، سارو، ۱۳۶۰ - تصویرگر
رده بندی برزیل: ۷۸۱:۳
شابک: کتابشناس ملی: ۷۵۷۱۶۵۸
وضعیت: رکورد: آریا

تاتی تاتی ترانه‌های مادرانه

ترانه‌سرا و آهنگساز: سولماز ترائی

نُت‌نگاری: صدا شدیفی - حمید خوانساری

تصویرگر: سارا میاری

دبیر بخش تالیف: سعیده شکوری

صفحه‌آرا: مهسا هنردوست

نوبت چاپ: اول / اسفند ۹۹

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۹۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۳۸-۲-۵

آدرس: شهرک غرب، بلوار دادمان، پلاک ۱۱۷

تلفن: ۸۸۳۶۴۱۶۶

www.baziandisheh.com

تقدیم به

خواهرزاده عزیزم

کسرا رهاثیان

سولماز نراقی

ترانه‌ها

- مقدمه ۴
- ۱- فرنی ۶
- ۲- دندون ۸
- ۳- فرشته‌ی لالایی ۱۰
- ۴- حموم ۱۳
- ۵- دالی موشه ۱۴
- ۶- تاتی تاتی ۱۶
- ۷- نفس‌کش ۱۸
- ۸- لب لالا لب ۲۰
- ۹- فنچ کوچولو ۲۳
- ۱۰- به ساله شدی ۲۴

یک هفته از به دنیا آمدنش نگذشته بود که فهمیدم کلمه کم آورده‌ام. هیچ کدام از جملات و تعابیر رایجی که مردم برای ابراز محبت به کودکان خود بر زبان می‌آورند، نیاز درونی‌ام را پاسخ نمی‌داد. باید آستین‌ها را بالا می‌زدم تا کلمات خودم را ابداع کنم. کلماتی که به درستی بیانگر احساساتی باشند که قلبم را آکنده بود. خواهرزاده‌ام، حالا مثل غنچه‌ای لطیف و معصوم که در ورق زر پیچیده باشند و نمی‌شبنم بر آن پاشیده باشند، لای پتوی عطرآگین خوابیده بود و دست و پایش به ساقه‌های ترد گیاهان می‌ماند. خط پاریک لب‌ها و پلک‌هایش، پوست نازک گونه‌هایش، آگاهی دست‌نخورده و تابناکی که در مردمکانش موج می‌زد، خمیازه‌های کوچکش که طرحی موقت می‌انداختند بر آن چهره‌ی ظریف و بی‌مانند، توی گوشم بی‌وقفه می‌خواندند: کاری بکن! مگر می‌شود در برابر این همه زیبایی ساکت ماند؟ اولین ترانه را در هفت روزگی‌اش ساختم. نیمه‌شب، زیر پتو. وقتی همه خواب بودند. نه تازی داشتم نه کاغذ و قلم. گوش‌ام را برداشتم و به آرامی صدای خود را ضبط کردم. سبیده که زد بیدار شدم و ساز را برداشتم: «لب لالا لب، لب، لب نازک، پلکک چابک، گل گل پونه تو باغ نشست، با چشمای بسته، حالا شبیه‌ی مهر دیوو نکسته...»

از آن روز به بعد، برای هر یک از نیازهای کسرا، ترانه‌ای ساختم. از خوابانند، غذا دادن، حمام کردن، تاتی تاتی کردن، بازی دالی موشه، دندان درآوردن تا بازیگوشی کردن و به ستوه آوردن پدر و مادر. اینک مجموعه‌ای فراهم شده که موقعیت‌های مختلف یک کودک را از تولد تا یکسالگی، حتی پیش‌تر در برمی‌گیرد. حالا کسرا یازده ساله است. در این مدت کودکان زیادی به جز او با این ترانه‌ها آرام گرفتند، خندیدند، فرنی خوردند، بازی کردند، یکسالگی‌شان را جشن گرفتند و به من انگیزه دادند تا آن‌بوم را به شکل حرفه‌ای ضبط و ترانه‌هایش را در قالب کتاب ثبت کنم.

از خواهرم برای به دنیا آوردن کسرا ممنونم و از تک تک شما که با ارسال ویدیوی کودکان خود مرا دلگرم کردید. همچنین صمیمانه قدرتان کسانی هستم که با من مخالفت کردند. آن‌ها که باعث شدند باور کنم می‌توانم با همین ساز ظریف ایرانی، هم مایه‌ی مسرت بود و هم آرامش. هم مونس لحظه‌های اندوه شد و هم شادی آفرید.